

# اکسیر عشق

## رسول کردی

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی

استعاره، کنایه و تشبیه «موجود است؟» (تجربی، ۱۳۸۲)

۱. آن کس که سر به جیب قناعت فرو نبرد بگذار تا به چاه مذلت فرو رود
۲. مهمان سراسر خانه دنیا که اندر او یک روز این بیاید و یک روز او رود
۳. گفتم بینمیش مگرم درد اشتیاق ساکن شود، بدیدم و مشتاق تر شدم
۴. گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد

**اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم**  
(مقبلی، ۱۳۸۶: ۴۸)

«گزینۀ (۴) درست است. / زر، زرد: جناس / مس: استعاره از وجود پست / زر: استعاره از وجود عالی / زر شدن (کنایه): به مرحله والا رسیدن / اکسیر عشق: تشبیه» (همان: ۶۰) «زر: استعاره از وجود ارزشمند» (ذوالفقاری، ۱۳۸۵: ۱۲۸) در گزینۀ (۴) واژه «روی» در معنی «صورت» پذیرفتنی است و در معنی «فلز روی = Zn» - که پذیرفتنی نیست - با واژه‌های «مس» و «زر»، تناسب دارد. پس آرایه «ایهام تناسب» را نیز پدید آورده است. این بیت آرایه‌های بدیع دیگری نیز دارد که نمونه‌ای از آرایه «ابداع» یا «سلامة الاختراع» است. نک: اسفندیار پور، ۱۳۸۳: ۲۶۱ و شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۳۹)

این مصراع با دقت کافی و چندین بار در آزمون سراسری دانشگاه‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که در پرسش‌های بعدی به آن اشاره می‌شود. تنها عیبی که در توضیح این پرسش وجود دارد،

**استعاری و یا مجازی بودن یک واژه یا یک عبارت تأیید می‌شود، تشبیه یا کنایه بودن همان واژه یا آن عبارت باید به‌طور منطقی نقض شود.** قبل از بررسی مصراع «اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم» که چندین بار در آزمون سراسری دانشگاه‌ها مطرح شده است، به تعریف دقیق اصطلاحات بلاغی «مجاز، استعاره مصرحه و کنایه» می‌پردازیم.

## بحث

«به‌کار رفتن واژه‌ای در غیر معنی حقیقی، به شرط وجود علاقه و قرینه، مجاز نام دارد. مجازی که علاقه آن شباهت باشد، استعاره [= استعاره مصرحه] نام دارد.» (هادی، ۱۳۸۰: ۹۶) «بیان مشبّه‌به و اراده تمامی ارکان تشبیه، استعاره مصرحه نام دارد.» (همان: ۸۵) «در کنایه، قرینه‌ای نیست تا نشان دهد که الفاظ در معنی مجازی به‌کار رفته‌اند: یعنی، الفاظ [در کنایه] همه حقیقت‌اند.» (همان: ۱۰۵) «در قدیم، اصطلاح کنایه را به مفهوم کلی به‌کار می‌بردند که شامل مجاز و استعاره نیز می‌شد؛ یعنی آن را به اصطلاح مخصوصی در مقابل مجاز و استعاره نمی‌شمردند و اصطلاح جدید کنایه - که با مجاز و استعاره فرق دارد - از موضوعات ادیبان متأخر است.» (همایی، ۱۳۷۷: ۲۵۷) در این پژوهش، به نمونه‌هایی از این درهم آمیختگی اشاره می‌شود.

۱. در کدام بیت، همه آرایه‌های «جناس،

## چکیده

عَلَمای قدیم بلاغت، گاهی آرایه‌های ادبی «کنایه» و «استعاره» را به‌جای یکدیگر به‌کار می‌بردند؛ زیرا در قدیم، کنایه را شامل مجاز و استعاره می‌دانستند. این نگرش در برخی از کتاب‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاهی و گاه در متون ادب فارسی نظام قدیم متوسطه وجود دارد. ظاهراً رگه‌هایی از این نوع نگرش در ذهن و اندیشه برخی از طراحان محترم آزمون سراسری دانشگاه‌ها نیز سرایت کرده است. نگارنده با ذکر شواهدی از متون ادب فارسی و با آوردن دلایل منطقی، نشان داده است که واژه «زر» در مصراع «اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم» (سعدی، ۱۳۷۷: ۵۵۰) استعاره نیست؛ هرچند در برخی از کتاب‌های بسیار معتبر، استعاره فرض شده است.

**کلیدواژه‌ها:** تشبیه، حقیقت، کنایه، مجاز، قرینه، علاقه، استعاره

## مقدمه

می‌دانیم که همه واژه‌های یک عبارت کنایی در معنای حقیقی به‌کار می‌روند ولی باید با فرهنگ حاکم بر جامعه آشنا بود و به کاربرد و موقعیت آن عبارت در متن هم توجه کرد. از طرفی، می‌دانیم مجاز واژه‌ای است که در غیر معنای حقیقی خود به‌کار رفته باشد. از آنجا که استعاره مصرحه، نوع خاصی از مجاز (با علاقه شباهت) است، یک عبارت کنایی نمی‌تواند استعاره هم باشد. در برخی موارد که با قرینه‌ای وجود

این است که «زر» نمی‌تواند «استعاره» باشد. به هر حال گزینه (۴) درست است و «استعاره» نبودن واژه «زر» تأثیری در این پرسش ندارد؛ زیرا «مس» استعاره از «وجود پست» است. به دو دلیل واژه «زر» در این پرسش نمی‌تواند «استعاره» باشد. الف. اثبات از طریق برهان خلف در ریاضی: حکم: می‌خواهیم ثابت کنیم «زر» استعاره نیست. فرض خلاف: «زر» استعاره است. (فرض خلاف یعنی فرضی که درست نیست ولی در ریاضی این‌گونه به کار می‌رود).

**برهان (دلیل یا اثبات):** اگر «زر» را «استعاره» بدانیم، یعنی پذیرفته‌ایم که «زر» در غیر معنای حقیقی به کار رفته است. در این صورت، «زر شدم» نمی‌تواند «کنایه» باشد؛ زیرا در یک عبارت کنایی، همه واژه‌ها در معنای حقیقی به کار رفته‌اند. وجود واژه «اکسیر» در این بیت و توجه به این باور قدیم که «اکسیر» سبب تبدیل اجسام بی‌ارزش به اجسام با ارزش می‌شد، کنایه بودن جمله «زر شدم» را تأیید می‌کند. پس «زر» استعاره نیست. این در تناقض با فرض است؛ یعنی فرض خلاف نادرست است. پس حکم درست است؛ یعنی «زر» استعاره نیست. ب. «زر شدم» یک کنایه و یک جمله سه‌جزئی با مسند و نمونه‌ای از «تشبیه

بلیغ اسنادی» است. پایه‌های این تشبیه و اجزاء دستوری این جمله چنین‌اند: زر: مشبّه‌به و مسند/ شدم: شد (فعل اسنادی) + «م» (نهاد پیوسته و مشبه) / در این جمله، نهاد جدا یعنی واژه «من» به قرینه لفظی (به دلیل وجود نهاد پیوسته «م» در فعل «شدم») حذف شده است. به دلیل وجود مشبه (نهاد پیوسته «م») و مشبّه‌به می‌توان گفت که استعاره مصرحه‌ای از این تشبیه بلیغ اسنادی ایجاد نشده است.

نگارنده این سطور معتقد است وقتی نهاد جدا، مشبه باشد و به قرینه لفظی (به دلیل وجود نهاد پیوسته) حذف شود، نباید

### واژه «زر» در مصراع «اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم» (سعدی، ۱۳۷۷: ۵۵۰) استعاره نیست؛ هر چند در برخی از کتاب‌های بسیار معتبر، استعاره فرض شده است

مشبه را حذف شده در نظر گرفت. وجود نهاد پیوسته در چنین مواردی، جای خالی مشبه را پر می‌کند. اینک با نمونه‌های دیگری این نگرش ثابت می‌شود.

۲. دل ما به دور رویت ز چمن فراغ دارد که چو سرو پایند است و چو لاله داغ دارد (هادی، ۱۳۸۰: ۶۴)

در مصراع دوم، واژه «دل» به قرینه لفظی حذف شده است. «در مصراع دوم، واژه «دل» به «سرو» و «لاله» [یعنی به دو چیز] تشبیه شده است» (همان: ۶۵ و ۶۶)

۳. که نی‌ام، کوهم ز صبر و حلم داد کوه را کی در رباید تندباد؟ (همان، ص ۷۰)

مؤلف محترم آرایه‌های ادبی سال سوم رشته ادبیات و علوم انسانی در توضیح این بیت در درس تشبیه بلیغ (همان: ۷۰) به تشبیه بودن اولین جمله بیت اشاره نکرده است. آیا توجیه مؤلف محترم این کتاب به این دلیل است که فعل اسنادی جمله اول،

منفی شده و همانندی از بین رفته است، که به نظر نمی‌رسد چنین باشد. در صورتی که به نظر می‌رسد جمله «که نی‌ام»<sup>۱</sup> یک جمله سه‌جزئی با مسند و نمونه‌ای از «تشبیه بلیغ اسنادی» باشد و ظاهراً پایه‌های این تشبیه و اجزاء دستوری این جمله چنین باشند:

که (گاه): مشبّه‌به و مسند/ نی‌ام (نیستم): نیست (فعل اسنادی) + «م» (نهاد پیوسته و مشبه)

نمونه‌های دیگری که در آن‌ها، نهاد جدا (مشبه) به قرینه لفظی (به دلیل وجود نهاد پیوسته) حذف شده است، بدون توضیح ذکر می‌شوند:

\* همچو چنگم سر تسلیم و ارادت در پیش (همان: ۶۹)

\* چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب (همان: ۶۹)

\* در شجاعت شیر ربانیستی (همان: ۷۳)

۴. در کدام مصراع [هر] دو آرایه «تشبیه و استعاره» وجود دارد؟ (ریاضی، فنی، و هنر ۱۳۷۷ - ۱۳۷۸)

۱. اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم

۲. از در درآمدی و من از خود به در شدم

۳. چندی به پای رقتم و چندی به سر شدم

۴. مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم (مقبلی، ۱۳۸۶: ۲۹۸)

«گزینه (۱) درست است. / اکسیر عشق: تشبیه/ مس: استعاره» (همان: ۳۱۱ و ۳۱۲) در پاسخ به این پرسش نیز واژه «زر» استعاره نیست؛ در صورتی که در پاسخ به پرسش (۱)، به اشتباه، استعاره فرض شده بود. تنها عیب پرسش اخیر این است که ابهام (کژتابی)<sup>۲</sup> وجود دارد و بهتر بود قبل از «دو» واژه «هر» نوشته می‌شد که نگارنده این سطور، آن را در [ ] گذاشته و به صورت پرسش افزوده است.

۵. در بیت زیر، کدام آرایه ادبی موجود نیست؟ (هنر، ۱۳۷۹-۱۳۷۸)





«گویند روی سرخ توسعدی، که زرد کرد؟  
اکسیر عشق بر مسمم افتاد و زر  
شدم»

۱. استعاره

۲. تشبیه

۳. جناس تام

۴. کنایه (همان: ۲۹۸)

«گزینۀ (۳) درست است. / مس: استعاره از جسم آدمی است که «اکسیر» آن را به «زر» تبدیل می‌کند/ زر شدن: کنایه از ارزشمند و متعالی شدن و به کمال رسیدن / زرد شدن روی (کنایه) / اکسیر عشق: تشبیه بلیغ اضافی» (همان: ۳۱۳ و ۳۱۴) «استعاره» بودن واژه «زر» نیز در این مصراع، رد می‌شود.

۶. در کدام گزینۀ، هر سه آرایۀ «استعاره، جناس تام و کنایه» به کار رفته است؟

۱. روی جانان طلبی، آینه را قابل ساز

ورنه هرگز گل و نسربین ندمد ز آهن و روی

۲. هنوز از دهن بوی شیر آیدش

همی رای و شمشیر و تیر آیدش

۳. دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی

۴. از مکافات عمل غافل مشو

گندم از گندم بروید، جو ز جو

(مقبلی، ۱۳۸۲: ۲۴۱)

«گزینۀ (۱) درست است. / آینه (آئینه):

استعاره از دل / روی، روی: جناس تام/ قابل

ساختن آینه (آئینه): کنایه از پاک کردن

دل و باطن» (همان: ۲۶۳) در پاسخ به این

پرسش در گزینۀ (۳) نیز استعاره بودن واژه

«زر» رد شده است. نگارنده این پژوهش

نیز معتقد است که «زر» در گزینۀ «۳»

استعاره نیست. به نظر می‌رسد «کنایه» در

نظر گرفتن عبارت «قابل ساختن آئینه»

با «استعاره» بودن واژه «آئینه» در تناقض

باشد و در نظر گرفتن این دو امر با هم

امکان‌پذیر نیست؛ زیرا استعاره نوعی مجاز

است (واژه در غیر معنای حقیقی به کار رفته

است) و در کنایه همه واژه‌ها حقیقت‌اند. از

نظر نگارنده این سطور، جمله «آئینه را قابل

بساز» آرایۀ «استعاره مرکب» دارد و کنایه

نیست. دلیلی که می‌توان به آن استناد کرد

این است: «دل» در ترکیب «آئینه دل» - که نمونه‌ای از تشبیه بلیغ اضافی است - حذف شده است. پس واژه «آئینه» استعاره مصرحه از «دل» است و این «کنایه» بودن جمله «آئینه را قابل ساز» را نقض می‌کند. از طرفی، مانند نمونه پرسش (۳) همین مقاله نیست که «مشبه» در جمله، «نهاد» داشته باشد و به قرینۀ لفظی (به دلیل وجود نهاد پیوسته) حذف شده باشد. این دلیل دیگری است که جمله مورد نظر کنایه نیست و استعاره مرکب است.

۷. «به پیش آئینه دل هر آن چه می‌دارم

به جز خیال جمالت نمی‌نماید باز»

(حافظ، ۱۳۸۳: ۳۵۳)

ترکیب «آئینه دل» تشبیه بلیغ اضافی است.

به نظر می‌رسد دلایل زیر سبب می‌شود

گاهی کنایه و استعاره در هم آمیخته شوند:

الف. گاهی برخی از مفاهیم و اصطلاحات

در کتاب‌های سطح پایین‌تر تدریس

نشده‌اند. برای نمونه، مثال‌های «جناس

مرکب» در دوره متوسطه به شکل «جناس

تام» بیان می‌شوند. «رمز» را حالت خاصی

از «استعاره» در نظر می‌گیرند. «استعاره

تمثیلیه» را گاهی نوعی «کنایه» محسوب

می‌کنند. نگارنده این سطور به این گونه

موارد اعتقاد ندارد و معتقد است که باید

مرز این گونه اصطلاحات به طور دقیق

مشخص شود.

ب. علم بلاغت هم مانند علوم دیگر بر

پایه‌ای از تعاریف دقیق و اصول علمی

استوار است. رعایت نکردن دقیق این

تعاریف و اصول، سبب ایجاد اشتباه و

درهم‌آمیختگی می‌شود. به نظر نگارنده این

پژوهش، پژوهشگران زبان و ادبیات فارسی

باید ذوق ادبی و فکر و استدلال منطقی

داشته باشند. به چند نمونه دیگر از این

موارد، در ادامه اشاره می‌شود.

۸. در بیت زیر از مولوی، آرایۀ «جناس

مرکب» وجود دارد ولی به دلیل معرفی

نشدن این آرایۀ ادبی در کتاب‌های

زبان و ادبیات فارسی دوره متوسطه و

پیش‌دانشگاهی، آن را نمونه‌ای از «جناس

تام در نظر می‌گیرند.

«آتش است این بانگ نای و نیست باد

هر که این آتش ندارد نیست باد»<sup>۴</sup>

(سنگری، ۱۳۸۲: ۵)

۹. «آینه» در بیت زیر از مولوی، استعاره

از چیست؟

«آینه‌ت دانی چرا غماز نیست؟

چون که زنگار از رخس ممتاز نیست»

(هادی، ۱۳۸۰: ۹۲)

«آئینه» را در آرایه‌های ادبی متوسطه

در همین بیت، استعاره مصرحه از «دل»

در نظر می‌گیرند (همان: ۹۲) ولی از نظر

دکتر شمیسا، رمز «خاطرات، دل، ذهن و

فکر» است و معنای خود «آئینه» را هم

دارد (در مقابل آئینه) (شمیسا، ۱۳۷۹: ۲۱۲).

به نظر می‌رسد آقای دکتر شمیسا،

جمله «آئینه‌ت غماز نیست» را «کنایه»

هم فرض کرده باشند؛ زیرا با توضیحی که



فرموده‌اند، «آینه» می‌تواند معنای حقیقی داشته باشد، مفهوم کنایی عبارت مورد نظر به ذهن می‌آید. دلیل دیگر اینکه وی معتقد است: «استعاره‌های تمثیلیه، را معمولاً در مقام «کنایه» هم به کار می‌برند.»

(همان: ۱۹۵) همچنین وی معتقد است: «در رمز، قرینه صریحی وجود ندارد و قرینه، معنوی و مبهم است و درک آن، مستلزم آشنایی با زمینه‌های فرهنگی بحث است (همان: ۲۱). عبارت اخیر کنایی بودن مفهوم «آینه» را تأیید می‌کند. ظاهراً منظور آقای دکتر شمیسا از «رمز» در این عبارت، یکی از انواع «کنایه» است؛ در صورتی که به نظر نگارنده این سطور، «آینه» در بیت قبل نمی‌تواند کنایه باشد.

۱۰. مقصود از «آینه» در بیت زیر چیست؟ (تجربی، ۱۳۷۱ - ۱۳۷۰)

«دیدمش خرم و خندان قدح باده به دست

واندر آن آینه صدگونه تماشا می‌کرد»

۱. اندیشه‌ی والای انسان
۲. پدیده‌های شگفت‌انگیز عالم خلقت
۳. چهره‌ی نورانی مردان حق طلب
۴. دل آگاه و حقیقت‌بین عارف (سجادی، ۱۳۷۰: ۲۶۲)

«گزینۀ (۴) درست است. / آینه: رمز و استعاره از دل آگاه و حق‌بین عارف است.» (همان: ۲۸۷) که در کتاب‌های ادبیات فارسی نظام قدیم متوسطه به شکل «استعاره» بیان می‌شد.

۱۱. بر مفرش پیروزه به شب شاه حلب را از سوده و پاکیزه بلور است **اوانیش** (حاکمی، ۱۳۷۲: ۳۰)

«مفرش پیروزه: کنایه از آسمان / شاه حلب: کنایه از ماه» (همان: ۳۰) در حالی که هر دو عبارت، «استعاره» هستند و «کنایه» نیستند و «اوانی» نیز «استعاره» از «ستارگان» است.

۱۲. فلانی مغز دارد. (به معنی مغز سر: حقیقت) (سلطانی گردفرامزنی، ۱۳۶۶: ۱۶۴)

فلانی مغز دارد. (به معنی با فکر، اندیشمند مجاز است؛ زیرا مغز محل تفکر است نه خود تفکر.) (همان)

اگر واژه «مغز» در جمله اول در معنای «حقیقی» به کار رفته باشد، چه قرینه‌ای وجود دارد که همین واژه در جمله دوم (تکرار جمله اول) در معنای «مجازی» به کار رفته باشد؟ در صورتی که بنا به نظر آقای دکتر هادی (نک: پی نوشت ۲) اگر قرینه نباشد، هیچ مجازی شناخته نمی‌شود و اگر علاقه نباشد، هیچ مجازی پدید نمی‌آید.

### نتیجه

با توجه به استدلال‌های ارائه شده و تعریف دقیق استعاره، کنایه و مجاز و دیگر شواهد موجود، می‌توان به این نتیجه رسید که واژه «زر» در مصراع «اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم» از سعدی، نمی‌تواند استعاره باشد بلکه «زر شدن» یک ترکیب کنایی است. به نظر می‌رسد مؤلف محترم کتاب حاوی پاسخ‌های ارائه شده به آزمون‌های سراسری دانشگاه‌ها و دیگر کتاب‌های معرفی شده در متن این پژوهش، هنگام تنظیم هر کدام از این مجموعه‌ها، به دلیل حجم بالای کار در این مورد دچار لغزش شده و به اشتباه، واژه «زر» را در این مصراع استعاره در نظر گرفته است که به گزینۀ درست پرسش ۱ از آزمون سراسری دانشگاه‌ها، آسیبی نمی‌رسد و از اهمیت این گونه کتاب‌های ارزشمند کاسته نمی‌شود.

### پین‌وشت‌ها

۱. در اثبات از طریق «برهان خلف» فرض می‌کنیم که حکم درست نباشد. این نوع فرض را «فرض خلاف» می‌گویند. با ادامه روند کار از طریق «فرض خلاف»، به یک تناقض (نقض یکی از تعاریف، قوانین و...) می‌رسیم. در این صورت نتیجه خواهیم گرفت که «فرض خلاف» درست نبوده است؛ پس حکم درست است.
۲. آقای دکتر علی گراوند، عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام، به تشبیه بودن جمله اول اشاره کرده است (نک: نشریه رشد زبان و ادب فارسی، ش ۴۷، تابستان ۱۳۷۷: ۸۳) ولی آقای دکتر روح‌الله هادی گفته است که در جمله اول تشبیهی وجود ندارد. (کارگاه آموزشی دبیران ادبیات فارسی استان خوزستان در ۱۳۹۷/۱۷/۲۸ در اهواز)
۳. ابهام (کرتابی) جمله «در کدام مصراع، دو آرایه تشبیه و استعاره وجود دارد؟» به صورت زیر برطرف می‌شود: الف. در کدام مصراع دو آرایه تشبیه و دو آرایه استعاره وجود دارد؟ ب. در کدام مصراع دو آرایه تشبیه و یک آرایه استعاره وجود دارد؟

ج. در کدام مصراع یک آرایه تشبیه و یک آرایه استعاره وجود دارد؟  
ح. در کدام مصراع یک آرایه تشبیه و یک آرایه استعاره وجود دارد؟  
حمله (ج) مدنظر طراحان محترم این پرسش بوده است.  
۴. آقای دکتر وحیدیان این بیت را در توضیح «جناس تام» آورده است. (وحیدیان، ۱۳۷۹: ۳۲)  
بسیاری از عالمان بدیع، «جناس مرکب» را در حقیقت «جناس تام» یا نوعی از آن می‌دانند. (نک: اسفندیاری‌پور، ۱۳۸۳: ۹۱ و شمیسا، ۱۳۷۲: ۳۴)

### منبع

۱. اسفندیاری‌پور، هوشمند؛ **عروسان سخن** (نقد و بررسی اصطلاحات و صناعات ادبی در بدیع). فردوس، ج ۱، تهران، ۱۳۸۳.
۲. حافظ، شمس‌الدین محمد؛ **دیوان غزلیات**، به کوشش خلیل خطیب رهبر، صفی علی‌شاه، ج ۳، تهران، ۱۳۸۳.
۳. حاکمی والا، اسماعیل و...؛ **متون ادب فارسی** سال چهارم متوسطه رشته ادبیات و علوم انسانی، شرکت چاپ و نشر ایران، بدون نوبت چاپ، تهران، ۱۳۷۲.
۴. ذوالفقاری، حسن و...؛ **کتاب کار و راهنمای مطالعه دانش آموز** (زبان و ادبیات فارسی عمومی ۱ پیش‌دانشگاهی)، فاطمی، ج ۱، تهران، ۱۳۸۵.
۵. سعدی شیرازی، صلح‌الدین عبدالله؛ **دیوان غزلیات** (ج ۲)، مهتاب، ج ۱۰، تهران، ۱۳۷۷.
۶. سلطانی گرد فرامزنی، علی؛ **فارسی و آیین نگارش**، (سال دوم دبیرستان به استثنای رشته فرهنگ و ادب)، شرکت افست (سهلی عام)، بدون نوبت چاپ، تهران، ۱۳۶۶.
۷. سنقری، محمدرضا و...؛ **زبان و ادبیات فارسی** (عمومی) (۱) و (۲) پیش‌دانشگاهی، نشر کتاب‌های درسی ایران، ج ۹، تهران، ۱۳۸۲.
۸. شمیسا، سیروس؛ **بیان**، فردوس، (ویرایش ۲)، تهران، ۱۳۷۹.
۹. \_\_\_\_\_؛ (۱۳۷۲)، **نگاهی تازه** به بدیع، فردوس، ج ۵، تهران، ۱۳۷۲.
۱۰. گراوند، علی؛ «**رایش آرایه‌ها**» (نقدی بر آرایه‌های ادبی سوم ادبیات و علوم انسانی متوسطه)، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، ش ۴۷، ۱۳۷۷.
۱۱. سجادی، ضیاءالدین؛ **مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌های تشریحی درس ادبیات فارسی در آزمون‌های سراسری دانشگاه‌ها** از ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۱، سازمان سنجش (نشر نی)، ج ۲، تهران، ۱۳۷۰.
۱۲. مقبلی، علی‌رضا؛ **مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌های تشریحی درس ادبیات فارسی در آزمون‌های سراسری دانشگاه‌ها** از ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ (عمومی گروه‌های ریاضی، تجربی، هنر و زبان‌های خارجی)، سازمان سنجش آموزش کشور، ج ۱، تهران، ۱۳۸۲.
۱۳. \_\_\_\_\_؛ **مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌های تشریحی ادبیات فارسی در آزمون‌های سراسری دانشگاه‌ها** از ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ (عمومی و اختصاصی گروه علوم انسانی)، سازمان سنجش آموزش کشور، ج ۱، ۱۳۸۲.
۱۴. \_\_\_\_\_؛ **مجموعه پرسش‌های طبقه‌بندی شده و پاسخ‌های تشریحی ادبیات فارسی در آزمون‌های سراسری دانشگاه‌ها** از ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ (عمومی گروه‌های ریاضی و فنی، تجربی، هنر و زبان‌های خارجی)، سازمان سنجش آموزش کشور، ج ۱، ۱۳۸۶.
۱۵. وحیدیان کامیار، تقی؛ **بدیع** (از دیدگاه زیبایی‌شناسی)، ویراسته رضا الزابئی‌نژاد، دوستان، ج ۱، تهران، ۱۳۷۹.
۱۶. هادی، روح‌الله؛ **آرایه‌های ادبی** سال سوم متوسطه رشته ادبیات و علوم انسانی، نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران، ۱۳۸۰.
۱۷. همایی، جلال‌الدین؛ **فنون بلاغت و صناعات ادبی**، هما، ج ۱۴، تهران، ۱۳۷۷.

